

## ظهور و سقوط چکان در کشمیر<sup>۱</sup> (۹۶۲-۹۹۳ هـ)

مریم معینی‌نیا<sup>۲</sup>

دانش‌آموخته دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه تاریخ و تمدن ملل

اسلامی، تهران، ایران

هادی عالم‌زاده

استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

خاندان چک در عهد حکومت راجه سهه‌دیو (۷۰۱-۷۲۰ هـ) به این سرزمین مهاجرت کردند و شاخه‌ای از آنان به رهبری پاندوچک در تراهه‌گام مقیم شدند و در مقام سپاهی و مناصب اداری به خدمت سلاطین شاهمیری درآمدند و با ورود میرشمس‌الدین محمد عراقی به کشمیر، به مذهب امامیه گرویدند. این مقاله بر آن است تا چگونگی برآمدن و سقوط شاخه شیعی مذهب این خاندان و نقش و عملکرد آنان را در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشمیر به روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس متون تاریخی، به‌ویژه بهارستان‌شاهی، بررسی کند. چکان هر چند دوره کوتاهی (۹۶۲-۹۹۳ هـ) بر سرزمین کشمیر حکومت کردند؛ اما به‌رغم تمامی اختلافات و منازعات داخلی و تهاجمات مکرر مغولان هند/بابریان، توانستند با بسط اقتدار خویش و انجام اقدامات مؤثر، مذهب تشیع را در این سرزمین چنان گسترش دهند، که تا امروز باقی است.

**کلیدواژه‌ها:** کشمیر، چکان، تشیع، شمس‌الدین محمد عراقی، بهارستان‌شاهی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۴.

۲. نویسنده مسؤول، رایانامه: moeninia@ut.ac.ir

## مقدمه

پیش از ورود اسلام به کشمیر در اوایل قرن هشتم هجری راجه‌های هندو بر این سرزمین حکومت می‌کردند. در دوره حکومت سهه‌دیو، آخرین راجه/ پادشاه هندوی کشمیر (۷۰۱-۷۲۰ هـ)،<sup>۱</sup> حوادثی رخ داد که بیانگر اهمیت سیاسی- جغرافیایی این ولایت برای حکومت‌های هم‌جوار، طوایف و قبایل منطقه و گروه‌های مهاجر است. ورود شه‌میر بنیان‌گذار سلسله شاه‌میریان به کشمیر؛<sup>۲</sup> ورود لنگرچک<sup>۳</sup> (جد چکان) از ولایت داردو<sup>۴</sup> به این ولایت و سکونت در قریه تراهه- گام؛<sup>۵</sup> ورود رینچن (بزرگ طایفه چندان) از تبت به این سرزمین و پناه آوردن به رام‌چند (سپهسالار سهه‌دیو) و آخرین حادثه مهم، حمله زولچو<sup>۶</sup> به کشمیر در سال ۷۲۰ هـ/ ۱۳۲۰ م<sup>۷</sup> از جمله این رویدادها است.

پس از فرار سهه‌دیو، رینچن در سال ۷۲۰ هـ حاکم کشمیر شد.<sup>۸</sup> او در ابتدا پیرو هیچ دینی از ادیان الهی نبود، ولی با راهنمایی بابابلیل قلندر<sup>۹</sup> به دین اسلام گروید و نخستین پادشاه مسلمان کشمیر شد.<sup>۱۰</sup> در این زمان شمار اندکی از کشمیریان اسلام آوردند و به تعبیر مؤلف بهارستان‌شاهی «دیگران بر کفر و شرک بودند»<sup>۱۱</sup> به تدریج با افزایش شمار مسلمانان، طوایفی مانند شاه‌میریان و چکان قدرت یافتند و با تشکیل حکومت‌های محلی مسلمان، اداره این سرزمین را به دست گرفتند و بدین ترتیب دوران اسلامی کشمیر آغاز شد.

۱. بهارستان‌شاهی، ۸؛ فرشته، ۳۳۷.

۲. بهارستان‌شاهی، ۸.

### 3. Chak.

۴. Dārdu منطقه‌ای در شمال کشمیر.

۵. تراهه‌گام یا ترهه‌گام (Trehgām) منطقه‌ای است در دره کشمیر واقع در قسمت غربی آن.

۶. زولچو (Zolchū) از فرزندان هولاکوخان پسر چنگیزخان مغول.

۷. بهارستان‌شاهی، ۸، ۹؛ برخی آورده‌اند، راجه رینچن (رنچن) از اهالی تبت سهه‌دیو را برانداخت و او را کشت و خود به عنوان اولین حکمران مسلمان، حکومت را در کشمیر به دست گرفت (نک: هالیستر، ۱۶۱).

۸. نک: بهارستان‌شاهی، ۱۱.

۹. سیدشرف‌الدین بلبل (بابابلیل)، در عهد سلطنت راجه سهه‌دیو از ترس مغولان به همراه یک هزار پناهنده از ترکستان به کشمیر آمد. وی از اولاد امام موسی کاظم(ع) بوده، به همین سبب سید موسی نیز نامیده می‌شد و نقش زیادی در اشاعه اسلام در کشمیر داشته است (نک: حیدری ۲۸-۲۹).

۱۰. بهارستان‌شاهی، ۱۲، ۱۳، ۱۳، ۱۴.

۱۱. همان، ۱۳.

نظام سیاسی- اجتماعی کشمیر به سبب حضور طوایف متعددی مانند چندان، ماگریان، نایکان، راینا، بیهقی، هانجیان، دامگران، شاهمیریان و چکان تراهه گام و کپواره،<sup>۱</sup> نظامی قبیله‌ای ای یا ملوک‌الطوایفی بود و اعضای هر قبیله از رئیس خود تبعیت می‌کردند. این طوایف برای کسب قدرت و تسلط بر این سرزمین، دائماً با یکدیگر رقابت داشتند. در دهه‌های پایانی حکومت شاهمیری (۹۳۰-۹۶۲هـ) و نیز در طی حکومت ۳۲ ساله چکان، این رقابت‌ها و اختلافات شدت یافت و در بسیاری از مواقع به مخاصمه شدید و درگیری نظامی انجامید.

هدف از این پژوهش بررسی چگونگی ظهور، سقوط و عملکرد شاخه شیعی مذهب «چکان»<sup>۲</sup> «چکان» در کشمیر است. مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع این تحقیق، *بهارستان‌شاهی* اثر ارزشمندی به فارسی است که نویسنده‌ای ناشناس در عهد جهانگیرشاه تیموری (۹۹۴-۱۰۲۳هـ) نگاشته است. این اثر، حاوی اطلاعات مهم و منحصر به فردی درباره وقایع و رویدادهای سرزمین کشمیر از دوره حکومت راجه‌های هندو تا پایان حکومت‌های محلی مسلمان، به‌ویژه حکومت چکان شیعه در کشمیر است. اهمیت این منبع تاریخی در این است که نویسنده آن، در این دوره می‌زیسته و شاهد عینی بسیاری از رویدادها بوده و در مقایسه با سایر منابع، جزئیات بیشتری درباره این حکومت ثبت کرده است؛ در گزارش از دوره سلطنت رسمی چکان، به نزاع‌های سیاسی و نظامی پرداخته و از چگونگی انتقال سلطنت از شخصی به شخص دیگر و حوادث پیرامونی آن سخن گفته است. آنچه در این اثر برجسته و مشهود است عملکرد سیاسی- نظامی پادشاهان چک در مقابله با رقابت‌ها و مخالفت‌های داخلی، سرکوب شورش‌ها و دفع حملات خارجی است. با این همه، نگارنده کوشیده است برخی کاستی‌های *بهارستان‌شاهی* را با بهره‌گیری از دیگر منابع تاریخ کشمیر جبران کند و تحلیل کمابیش دقیقی از ظهور و سقوط چکان شیعه ارائه دهد.

### خاندان چک: پیدایش و انشقاق

نام سلسله چکان، مأخوذ از نام جد این خاندان یعنی لنگرچک است. او در سال ۷۰۵هـ وارد کشمیر شد و با آغاز سلطنت شه‌میر در سال ۷۴۰هـ به سپهسالاری او منصوب گردید.

---

1. Kepware.  
2. Chaks.

گرایش چکان مسلمان به دو مذهب تشیع و تسنن سبب انشقاق آنها شد؛ شاخه اول به رهبری پاندوچک مذهب تشیع را پذیرفته، در تراهه گام مقیم شدند، و شاخه دوم به رهبری شمس چک فرزند هلمت چک<sup>۱</sup> که از گیلگت<sup>۲</sup> آمدند، در کپواره یا کشتواره (غرب کشمیر) مقیم شدند و مذهب تسنن را پذیرفتند و از رقبای مهم سیاسی و مذهبی چک‌های شیعه به‌شمار می‌آمدند. آنان معمولاً با همکاری طایفه ماگریان بر ضد چکان شیعه توطئه می‌کردند و پیوسته میانشان درگیری و نزاع بود.<sup>۳</sup>

گرویش طایفه پاندوچک به تشیع حاصل تلاش‌های بی‌وقفه میرشمس‌الدین محمدعراقی<sup>۴</sup> بود که در تاریخ ۸۹۲هـ به قصد تبلیغ اسلام و ترویج مذهب شیعه، با گروهی از صوفیان از ری به کشمیر آمد<sup>۵</sup> و با همکاری موسی راینا،<sup>۶</sup> ۲۴ هزار خانوار را به مذهب تشیع درآورد.<sup>۷</sup> بر اثر این تبلیغات تمامی بزرگان تراهه گام مانند پاندوچک، حسین چک و کاجی چک، به مذهب امامیه گرویدند.<sup>۸</sup> این سه تن که نفوذ بسیاری در دربار شاهمیری داشتند برای ترویج مذهب تشیع در کشمیر با میرشمس‌الدین محمد عراقی همراه شدند. تاریخ فرشته در این باره چنین می‌گوید: چک‌ها مرید میرشمس‌الدین محمد عراقی شده، از طریق تصوف با تشیع آشنا شدند.<sup>۹</sup>

1. Helmat Chak.

2. Gilgat.

۳. حیدری، ۱۰۵؛ کویه‌امی، ج ۲، ۲۱۷.

۴. وی را ذریه امام موسی کاظم(ع) دانسته‌اند که در روستایی از توابع تالش در ایران به دنیا آمد و پس از طی سطوح عالی علوم دینی نزد سیدمحمد نوربخش، از فرقه صوفیه سیدعلی همدانی، به فرمان سلطان حسین بایقرا مأموریت یافت تا به نزد سلطان حسن شاهمیری به منطقه کشمیر برود. البته قبل از وی نیز علمای شیعه دیگری برای تبلیغ به کشمیر رفته بودند؛ اما تبلیغ آنان ناپیوسته و محدود به چند روستا بود، در حالی که در دوره میرشمس‌الدین عراقی، وضعیت شیعیان تغییر زیادی کرد و به سبب تلاش و تبلیغ مستمر وی، مذهب تشیع مذهب رسمی کشمیر شد (نک: اطهررضوی، ج ۱، ۲۷۵). شایان ذکر است، میرشمس‌الدین محمدعراقی چند نوبت به کشمیر سفر کرده و محتمل است آخرین سفر وی در سال ۸۹۲ هـ بوده باشد (نک: حیدری، ۳۸؛ بهارستان-شاهی: ۷۰ پ).

۵. اطهررضوی، ج ۱، ۲۷۷.

۶. (Raina) موسی راینا رهبر قبیله دامگران، از قبائل مهم کشمیر و از صاحبان نفوذ در دربار شاهمیری.

۷. بهارستان شاهی، ۷۸.

۸. حیدری، ۱۰۴؛ کویه‌امی، ج ۲، ۲۱۷.

۹. فرشته، ۳۵۰.

پس از پاندوچک، پسرش حسین چک رهبری طایفه چکان را در دست گرفت. حسین چک یازده پسر داشت<sup>۱</sup> که تنی چند از آنها بر کشمیر فرمانروایی یافتند. برآمدن چکان شیعه و زوال حکومت شاهمیری را می‌توان حاصل زمینه‌های نظامی - سیاسی این دوره و معلول دو علت مشروح در زیر دانست.

تهاجم مغولان و رقابت میان طوایف و گروه‌های متخاصم داخلی به منظور تسلط بر کشمیر، در طول حکومت ۲۲۲ ساله شاهمیریان (۷۴۰-۹۶۲هـ) ادامه داشت؛ منابع تاریخی از اولین حمله مغولان به کشمیر به فرماندهی زولچو در سال ۷۲۰هـ/۱۳۲۰م یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup> این حملات که در طول حکومت شاهمیریان ادامه داشت، در دهه‌های پایانی این حکومت افزایش یافت و آنان را به جذب و استفاده از سپاهیان جنگ‌جو برای دفع حملات خارجی و برقراری امنیت داخلی ملزم می‌کرد. نویسنده تاریخ حسن یادآوری می‌کند که چکان ابتدا سربازانی بودند که به خدمت سلاطین مسلمان شاهمیری درآمدند و تا دوره حکومت زین‌العابدین (۸۲۶-۸۷۸هـ)، خدمتگزار و ملازم آنان بودند.<sup>۳</sup> حضور این خاندان که منابع جنگاوری آنها را تأیید و گزارش کرده‌اند،<sup>۴</sup> در کسوت سربازان و فرماندهان لشکر توانستند علاوه بر تحقق خواست‌های سلاطین شاهمیری، آرام آرام به افزایش قدرت در دربار و تحکیم موقعیت اجتماعی و سیاسی در معادلات سیاسی - نظامی منطقه بپردازند. این چک‌های تراره‌گام بودند که حملات بابر، همایون و اکبرشاه به کشمیر را دفع می‌کردند و از سرهای لشکر مغول مناره می‌ساختند؛<sup>۵</sup> در حالی که در همان ایام، بیشتر قبایل کشمیری با کارشکنی و شورش، مشوق بیگانگان برای توطئه بر ضد حکومت وقت بودند.<sup>۶</sup>

دومین عامل در قدرت‌یابی چک‌ها، ظلم و ستم برخی سلاطین شاهمیری در حق این خاندان بود که آنان را برای رهایی از وضع موجود و خلاصی از سلطه شاهمیریان و دستیابی به قدرت مصمم ساخت. چنان‌که نقل شده در دوران زمامداری سلطان زین‌العابدین شاهمیری، پاندوچک علیه ظلم و جور او برخاست و با جماعتی از چکان، قصر و عمارت‌های سلطان را به آتش کشید

۱. بهارستان شاهی، ۵۲ر.

۲. همان، ۹ر.

۳. کویهامی، ج ۲، ۲۷۲.

۴. بهارستان شاهی، ۶۶پ؛ حیدری، ۱۰۴، ۱۰۶؛ فرشته، ۳۵۰؛ کویهامی، ج ۲، ۲۱۸.

۵. حیدری، ۱۰۶.

۶. نک: همو، ۱۰۵.

و به تراهه گام گریخت و زنان و فرزندان خود را به دراو<sup>۱</sup> فرستاد. سلطان شاهمیری در تعقیب او، فرمان داد خانه‌های چکان را به آتش کشند و با دادن رشوه به مردم دراو، پاندوچک و تمامی خاندانش را به اسارت گیرد و به فرمان او رئیس چکان و مردان مبارز آن خاندان را بکشند و زنان و کودکانشان را به قریه کوارل<sup>۲</sup> تبعید کنند.<sup>۳</sup>

طی سالیان متمادی که چکان در تبعیدگاه بودند،<sup>۴</sup> روابط حسنه‌ای با طایفه نایک‌ها،<sup>۵</sup> که از سران با نفوذ روستای کوارل بودند، و اهالی آن روستا برقرار کردند و با دوراندیشی، از بافت قبیله‌ای کشمیر و نفوذ و تأثیر طوایف قدرتمند در این سرزمین، برای بقا و دوام خویش و حذف رقبا سود جستند و دخترانشان را به نکاح مردانی از طوایف و افراد صاحب‌نام درآوردند<sup>۶</sup> و بدین ترتیب، قدرت سیاسی و اجتماعی لازم را برای فرمان‌روایی بر کشمیر فراهم ساختند. هروی در طبقات اکبری و کویه‌امی در تاریخ حسن این قرابت‌های سببی را عامل مهمی در قوت و غلبه چکان دانسته‌اند.<sup>۷</sup>

## دوره وزارت و امارت چکان

اختلاف و نزاع میان مدعیان سلطنت شاهمیری، به‌ویژه در دهه‌های پایانی این حکومت و در دوره سلطنت محمدشاه و فتح‌شاه (۸۹۲-۹۲۱هـ)، زمینه ضعف و زوال شاهمیریان و کسب

### 1. Drāv.

۲. کوارل (Kovarel) روستای دورافتاده‌ای در کشمیر.

۳. بهارستان‌شاهی، ۵۱، ۵۲پ. شایان ذکر است در منابع، حوادث دوران سلطنت زین‌العابدین شاهمیری بر اساس تقویم زمانی ثبت نشده است، بلکه تنها به ذکر تاریخ شروع و پایان حکومت او و شرح وقایع ۵۲ ساله سلطنتش بسنده کرده‌اند (نک: فرشته، ۳۴۲-۳۴۷؛ بهارستان‌شاهی، ۴۱، ۴۷ر).

۴. در بهارستان‌شاهی، از حضور سیاسی-اجتماعی چکان از سال ۸۷۸هـ که دوره اتمام سلطنت زین‌العابدین تا به حکومت رسیدن سلطان‌حیدر (۸۷۸-۸۸۰هـ) است و نیز دوره دیگر سلاطین مانند سلطان حسن و محمدشاه (۸۸۰-۹۲۱هـ)، گزارشی نقل نشده و محتمل است که چکان در این فاصله زمانی، بیشتر در صدد افزایش شمار خاندان و بازیابی توان گذشته خویش بوده‌اند (نک: بهارستان‌شاهی، ۵۲-۷۹ر)؛ در تاریخ فرشته نیز تا به حکومت رسیدن سلطان محمدشاهمیری برای بار سوم، گزارشی از چکان نیامده و پس از آن است که از کاجی‌چک، اقدامات و وزارتش سخن گفته است (نک: فرشته، ۳۵۱-۳۶۷).

### 5. Nāyaks.

۶. بهارستان‌شاهی، ۵۱، ۵۲پ.

۷. هروی، ج ۳، ۴۷۷؛ کویه‌امی، ج ۲، ۲۷۲.

قدرت چکان را فراهم آورد، چنان‌که برخی از سران آنان که در منصب وزارت بودند، چندان قدرت یافتند که به عزل و نصب شاهان شاهی هم اقدام می‌کردند.<sup>۱</sup>

چکان با نفوذ در دربار و ارکان دولت، در شمار زمین‌داران درآمدند و نقش فعالی در امور سیاسی وقت ایفا کردند.<sup>۲</sup> از جمله در زمان سلطان فتح‌شاه شاهی (۹۲۱هـ)، سرزمین کشمیر، جز خالصه پادشاه، میان سه طایفه متنفذ آنان تقسیم شد و بخشی نیز به کاجی چک (رئیس خاندان چک) اختصاص یافت.<sup>۳</sup>

کاجی چک در مقام وزارت، محمد شاهی را دست‌گیر و زندانی کرد و ابراهیم شاهی (۹۳۴هـ) را به سلطنت رساند.<sup>۴</sup> هم‌چنین او در زمان سلطنت اسماعیل شاهی (۹۴۵-۹۴۷هـ)، پس از پیروزی در جنگ میان قبائل مدعی حکومت، حدود یک‌سال به نیابت از سلطان شاهی حاکمیت بر کشمیر را در دست گرفت. در واقع، زمام امور از دست سلاطین شاهی خارج شده، و از آنان جز نامی در خطبه و بر سکه بر جای نمانده بود.<sup>۵</sup>

هم در این هنگام بعضی از سران قبایل علم مخالفت برافراشتند و کاجی چک را به مقابله واداشتند. وی با آن‌که بر آنان غلبه کرد و محبوسشان ساخت؛ اما پس از چندی آنان را بخشود و به هر یک در حد شأنشان جاگیر<sup>۶</sup> اعطا کرد.<sup>۷</sup>

کاجی چک علاوه بر شجاعت و وقوف بر امور سلطنت، در امر قضاوت نیز دستی داشت،<sup>۸</sup> و با میرشمس‌الدین محمد عراقی عهد بسته بود اگر به قدرت برسد، بر اساس حکم الهی و به عدل و انصاف رفتار کند.<sup>۹</sup> برخی منابع نقل کرده‌اند که وی در طول امارت خود در نشر دین اسلام کوشید؛ بسیاری از کفار و مشرکین را از میان برداشت و شماری از آن‌ها را مطیع و منقاد اسلام

۱. نک: سطور بعد.

2. Mohibb ul Hasan, 206; Sufi, VI/ 217-218.

۳. بهارستان شاهی، ۸۵؛ کویه‌امی، ج ۲، ۲۳۶.

۴. هروی، ج ۳، ۴۶۱-۴۶۰.

۵. بهارستان شاهی، ۱۰۵.

۶. Jāgīr قطعه زمینی که سلاطین آن را به امراء دولت و سرداران لشکر و ... می‌دادند تا محصول و متعلقات آن را تصرف نمایند (دهخدا، ج ۵، ۶۵۵۷)؛ جای‌گیر، ظاهراً نظیر اقطاع در دوره سلجوقی و سیورغال در دوره تیموریان بوده است.

۷. بهارستان شاهی، ۱۰۵-۱۰۵ پ.

۸. حیدری، ۱۲۰.

۹. بهارستان شاهی، ۷۹-۷۹ پ.

کرد و مذهب امامیه را رواج داد.<sup>۱</sup> از دیگر اقدامات او، دفاع از کشمیر در برابر حملات پیاپی مغولان در سال‌های ۹۳۵، ۹۳۸ و ۹۳۹ هـ بود.<sup>۲</sup> از این‌رو کاجی‌چک به سبب تلاش مستمر در ترویج مذهب شیعه و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای استقرار حکومت چکان، در میان پسران حسین‌چک ممتاز است.<sup>۳</sup>

با مرگ کاجی‌چک در ۹۵۲ هـ اتحاد قبیله چکان از میان رفت<sup>۴</sup> و میرزا حیدر کاشغری، خاله‌زاده بابر شاه،<sup>۵</sup> با تشویق و ترغیب امرای کشمیر بار دیگر این ولایت را تسخیر کرد و دست به ظلم و تعدی به شیعیان و پیروان سایر فرق و مذاهب جز حنفی‌ها گشود.<sup>۶</sup> این اعمال، امرای کشمیری را به مقابله با عامل مغولان هند/بائریان برانگیخت و پس از ده سال مبارزه توانستند او را به قتل برسانند<sup>۷</sup> و حکومت کشمیر را از دست مغولان درآورند؛ اما رقابت و اختلاف میان این امرای سنی مذهب به تحکیم مجدد موقعیت چکان شیعی انجامید.

دولت‌چک پس از کاجی‌چک رهبری این خاندان را بر عهده گرفت و توانست رقبای سیاسی را از میدان به در کند. او در حالی که قدرت واقعی را خود در دست داشت، ابراهیم‌شاه<sup>۸</sup> (از سلاطین شاهمیری) را اسماً بر تخت سلطنت نشانید.<sup>۹</sup> دولت چک اقدامات متعددی در کشمیر انجام داد: فرمان میرزا حیدر (حاکم پیشین مغولی) را در پیروی از مذهب تسنن ملغی کرد؛ در

۱. همان، ۸۸-۸۸ پ؛ نک: دیده‌مری، محمداعظم، *واقعات کشمیر*، نسخه خطی، میکروفیلم شماره ۱۹۰۶۲، مشهد،

مشهد، کتابخانه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی؛ کویه‌امی، ج ۲، ۲۳۶-۲۳۷؛ اطهررضوی، ج ۱، ۲۷۹.

۲. *بهارستان شاهی*، ۹۱ پ، ۹۳ پ، ۹۵ ر-۹۶ پ، ۹۷ ر-۱۰۰ پ.

۳. همان، ۸۸-۸۸ پ.

۴. *بهارستان شاهی*، ۱۱۰ ر؛ کویه‌امی (تاریخ حسن)، ۲/۳۴۴.

۵. کویه‌امی، ج ۲، ۲۶۲.

۶. در *تاریخ حسن*، ماجرای کشتار شیعیان و تراج آنها و کشتن میردانیال از سوی میرزا حیدر کاشغری در تاریخ ۹۵۵ هـ. ق گزارش شده است که با تاریخ منقول در *بهارستان شاهی* تفاوت دارد (نک: کویه‌امی، ج ۲، ۲۵۴-۲۵۵).

۷. *بهارستان شاهی*، ۱۲-۱۱۵ پ؛ مؤلف *تاریخ حسن*، «شهادت» میرزا حیدر را در تاریخ هشتم ذی‌القعدة سال ۹۵۰ هـ. ق ذکر کرده است که با توجه به تاریخ وقایع پیش از مرگ میرزا حیدر کاشغری که در متن *بهارستان شاهی* آمده، اشتباه به نظر می‌رسد (نک: کویه‌امی، ج ۲، ۲۶۲).

۸. شایان ذکر است، برخی از سلاطین شاهمیری صرف‌نظر از طول مدت حکومت، در چند نوبت بر تخت سلطنت نشستند، از جمله محمدشاه در پنج نوبت، فتح‌شاه در سه نوبت و نیز ابراهیم‌شاه که در دو نوبت بر تخت سلطنت نشست: بار اول توسط کاجی‌چک و بار دوم توسط دولت چک؛ اما در منابع، تاریخ جلوس مجدد آنان ثبت نشده است (نک: *بهارستان شاهی*، ۱۲۴ ر؛ فرشته، ۳۵۱-۳۵۹).

۹. هروی، ج ۳، ۴۸۰.



مسجد جامع سرینگر و دیگر مساجد کشمیر مجدداً خطبه به نام دوازده امام خواند؛ خانقاه‌هایی را که میرزا حیدر غارت و منهدم کرده بود، بازسازی و املاکی بدان‌ها اختصاص داد؛ در تکریم صوفیان و بازماندگان آنان کوشید؛ برای خادمان و مجاوران خانقاه‌ها مقرری تعیین کرد؛ شهر حسن‌آباد را بنیاد نهاد و پیکر باباعلی، از صوفیان مشهور کشمیر، را به آن‌جا منتقل کرد و خانقاه باشکوهی برای او ساخت که این خانقاه بعدها به پایگاهی برای شیعیان کشمیر تبدیل شد.<sup>۱</sup>

### سلطنت رسمی چکان بر کشمیر

چنان‌که آمد، سران قدرتمند و با نفوذ طایفه شیعی مذهب چک با اتکا بر شجاعت، تدبیر و موقع‌شناسی در حکومت شاهمیری نفوذ کردند و در شمار فعالان سیاسی، نظامی، قضایی و ملازمان آن‌ها در آمدند و زمانی که سلطنت شاهمیریان پس از دو قرن روی به زوال نهاد، میراث‌دار حکومت آنان شدند و از سال ۹۶۲ تا ۹۹۳ هجری بر کشمیر فرمان راندند. شش تن از اعضای این خاندان به نام‌های غازی‌شاه، حسین‌شاه، علی‌شاه، یوسف‌شاه، لوه‌ر شاه و یعقوب شاه، در دوره زمانی ۳۲ ساله به حکومت رسیدند و برخی از آنان مانند یوسف‌شاه، چند بار بر تخت سلطنت نشست.<sup>۲</sup>

از آن‌جا که سلطنت و حاکمیت چکان شیعه بر کشمیر، خوشایند رقبا و امرای منفعت‌طلب طوایف مختلف کشمیری، به‌ویژه چکان متعصب سنی مذهب کپواره به رهبری شمس‌چک نبود، همواره به قصد براندازی آنها، سعی در توطئه و شورش داشتند و در مواردی، مغولان هند/گورکانیان (۹۳۲-۱۲۵۳هـ) را برای حمله به کشمیر ترغیب و تشویق می‌کردند. از این‌رو، مخالفان جدی اقتدار و حاکمیت چکان را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه‌های متخاصم داخلی، یعنی سران طوایف مهم و جناح‌های سیاسی با نفوذی چون ماگری، بیهقی و شاخه چکان کپواره؛ و گروه خارجی، یعنی مغولان هند یا گورکانیان.

۱. حیدری، ۱۲۹؛ کویه‌امی، ج ۲، ۲۶۷-۲۶۸ (مؤلف تاریخ حسن از این اقدامات با الفاظ سخیفی یاد کرده است که حاکی از نگاه متعصبانه مؤلف در مخالفت با تشیع است)؛ سیدناصری، ۴۵؛ Muhibb ul Hasan, 147.  
۲. نک: زیرنویس ۵ در صفحه قبل؛ نیز شجره‌نامه خاندان چک در انتهای مقاله.

**غازی چک:** زمامداری رسمی چکان با حکومت نصیرالدین محمدغازی (۹۶۲-۹۷۱هـ) آغاز شد.<sup>۱</sup> این دوره بیش‌تر به دفع توطئه‌های داخلی و مبارزه با شورشیانی گذشت که مشوق مغولان برای حمله به کشمیر بودند. گروهی از مخالفان غازی‌شاه به دهلی و به دربار همایون-شاه رفتند و او را برای حمله به کشمیر تشویق و از پشتیبانی خود مطمئن کردند؛<sup>۲</sup> اما این حملات که همه با شکست سپاهیان مغول همراه بود سبب شد تا مخالفان داخلی مدتی از تحریک و ترغیب پیایی مغولان برای حمله به کشمیر دست بردارند،<sup>۳</sup> و غازی‌شاه کمتر از ده سال بر کشمیر فرمان راند. حیدری او را با انصاف و بس عادل خوانده،<sup>۴</sup> و دیگر مورخان کشمیری نیز از عدل و نصفت بی‌نظیر وی سخن گفته‌اند.<sup>۵</sup>

**حسین چک:** پس از غازی‌چک، حسین‌چک در سال ۹۷۱هـ به سلطنت رسید.<sup>۶</sup> در زمان او نیز توطئه و دسیسه مخالفان ادامه داشت. آنان فتح‌خواجه، از صاحب‌منصبان کشمیری و مقربان شاه را مأمور قتل او کردند، ولی توطئه آنان برملا شد. سلطان تنی چند از توطئه‌گران را مجازات کرد، ولی شماری از آنان گریختند.<sup>۷</sup> برخی از مورخان، دوره حکمرانی او را توأم با عدالت‌گستری و حمایت از اقشار ضعیف جامعه دانسته‌اند، و به نقل همین منابع مردم کشمیر او را «انوشیروان عادل» می‌خوانده‌اند و ماده تاریخ شروع حکومت وی را نیز «خسرو عادل»<sup>۸</sup> ثبت کرده‌اند.<sup>۹</sup> محب‌الحسن نیز درباره حکمرانی وی نوشته است: حسین‌شاه از هر نظر بهترین حکمران خاندان چک بود، حکومتش در عین اقتدار، از اعتدال برخوردار بود؛ توجه بسیاری به رعایا داشت و به فرمان او، هر روز صبح پس از نماز بین فقرا پول نقد تقسیم می‌کردند؛ برای

۱. حیدری، ۱۳۸؛ فرشته، ۳۶۰؛ هروی، ج ۳، ۴۸۳؛ کویه‌امی، ج ۲، ۲۷۲.

۲. حیدری، ۱۳۵.

۳. همو، ۱۲۸.

۴. همو، ۱۳۹.

۵. نک: حیدری، ۱۳۹-۱۴۰.

۶. بهارستان‌شاهی، ۱۲۴؛ حیدری، ۱۳۴؛ فرشته، ۳۶۲؛ هروی، ج ۳، ۴۹۰.

۷. حیدری، ۱۴۲-۱۴۳.

۸. ماده تاریخ "خسرو عادل" به حروف ابجدی = ۹۷۱ق است.

۹. بهارستان‌شاهی، ۱۲۴پ؛ کویه‌امی، ج ۲، ۲۸۰ و ۲۸۲.

اجرای عدالت و رسیدگی به وضع مردم، به شکایت آنان گوش می‌داد و در برقراری امنیت و محافظت مردم از شر دزدان می‌کوشید.<sup>۱</sup>

**علی‌چک:** سومین شاه این خاندان بود که در ۹۷۸هـ به حکومت رسید و توانست در زمان فرمان‌روایی خویش برای مدتی امنیت را در کشمیر برقرار کند؛ اما نوروزچک و سایر بزرگان شاخه چکان متعصب سنی مجدداً شروع به توطئه‌چینی کردند و با اختلاف‌افکنی آتش درگیری‌های داخلی را شعله‌ور ساختند.<sup>۲</sup> علی‌شاه با اصلاح شیوه‌های مجازات مجرمان، کندن چشم و بریدن اعضا را که در دوره سلاطین گذشته معمول بود، برانداخت؛ به تمامی طوایف و قبایل مهجور کشمیری اعتبار بخشید؛ در اجرای عدالت و رعایت حال رعایا اهتمام تام داشت و از هیچ احسان و شفقتی در حق آنان فروگذار نمی‌کرد. او خود به انجام فرایض دینی و پیروی از سیره و سنت حضرت رسول (ص)<sup>۳</sup> بسیار مقید بود.<sup>۴</sup>

**یوسف‌چک و لوه‌رچک:** با مرگ علی‌چک، بر سر جانشینی او میان یوسف‌چک و ابدال‌چک از شاخه سنی، نزاع و جنگ سختی درگرفت و عاقبت یوسف در ۹۸۶هـ بر تخت سلطنت نشست؛ اما هنوز چند ماهی از حکومت او نگذشته بود که اشراف ناراضی و مخالفان حکومت سر به شورش برداشتند. یوسف از آن‌ها شکست خورد و به راجوری گریخت. در غیاب او، سیدمبارک، وزیر سنی مذهبش، حکومت را به دست گرفت؛ ولی بسیاری از امرای چک با وی به مخالفت برخاستند و خواستار بازگشت یوسف‌چک شدند. بازگشت یوسف به مقرر حکومت بی‌اعتنایی و عدم حمایت از سوی دعوت‌کنندگانش رو به رو شد که در نتیجه به شکست مجدد و گریز او به راجوری انجامید.<sup>۴</sup> در این احوال، امرای چک موفق شدند سیدمبارک را وادارند که به نفع لوه‌رچک از حکومت کناره‌گیری کند. لوه‌ر در سال ۹۸۸هـ بر تخت سلطنت نشست؛<sup>۵</sup> اما به زودی اوضاع به نفع یوسف‌چک تغییر یافت و بار دیگر در همین سال به حکومت رسید.

این دوره از حکومت یوسف با تهدید و احضار او از سوی سلطان هند، اکبرشاه گورکانی (۹۶۳-۱۰۱۴هـ) مواجه شد؛ زیرا یوسف در ۹۸۸هـ برای بازگشت به تاج و تخت از اکبرشاه یاری خواسته بود، ولی پس از دستیابی به حکومت از این استمداد انصراف جسته و این انصراف

۱. حیدری، ۱۵۷؛ ۱۴۷، Muhibb ul Hasan.

۲. بهارستان شاهی، ۱۳۲-۱۳۲، ۱۳۶-۱۳۶ پ.

۳. همان، ۱۳۶-۱۳۶ پ.

۴. حیدری، ۱۶۶، ۱۶۸-۱۶۹؛ الطاف حسین، ۶۴.

۵. حیدری، ۱۶۹.

اکبرشاه را خوش نیامده و با اعزام دو سفیر به کشمیر، حاکم چک را به دربار خود فراخوانده بود؛<sup>۱</sup> اما مخالفت مردم با رفتن یوسف به هند و اعلام آمادگی برای مقابله با سلطان گورکانی تاوان هنگفتی برای کشمیریان در پی داشت: با فرمان حمله اکبر به کشمیر (۹۹۴هـ) نبرد سختی میان طرفین درگرفت، ولی لشکر هندیان به سبب سرما، کمبود مواد غذایی و نیز مقاومت سرسختانه کشمیریان، عقب‌نشینی کردند و خواستار صلح شدند.<sup>۲</sup> یوسف نیز که مایل به ورود در نبردی دیگر با هند و تحمل تبعات جبران‌ناپذیر آن بر کشمیر نبود، صلح را پذیرفت<sup>۳</sup> و به دربار اکبرشاه رفت؛ اما او دست‌گیر و در لاهور زندانی شد و سرانجام در سال ۱۰۰۰هـ در وادی بهار از منطقه بنگاله درگذشت.<sup>۴</sup>

یوسف‌چک پس از تحکیم حکومت، تمامی مالیات‌های غیرعادلانه‌ای را که از دوران گذشته در کشمیر وضع شده بود ملغی ساخت<sup>۵</sup> و در برقراری عدل و داد و احسان به مردم کوشید؛ و بیگاری گرفتن سپاهیان از کشاورزان و اخذ جزیه از هندوان و نیز صادره محصولات مردم را ممنوع ساخت؛ هم‌چنین در تقسیم عطایای نقدی (اعم از طلا و نقره) و غیرنقدی در میان مردم بر «میزان عدل» عمل می‌کرد؛ پیوسته مراقب احوال تنگدستان، و به سخاوت و بخشندگی زبانزد عام و خاص بود.<sup>۶</sup>

از دوره کوتاه سلطنت لوه‌رچک نیز با عبارت «دورانی قرین با عدالت و جامعه‌ای برخوردار از رفاه اجتماعی» سخن گفته‌اند.<sup>۷</sup>

**یعقوب‌چک:** پسر بزرگ یوسف، یعقوب آخرین سلطان چک بود که پس از نقض پیمان صلح از سوی مغولان و اقدامات توسعه طلبانه اکبرشاه، در سال ۹۹۴هـ خود را پادشاه کشمیر خواند. او نیز هم‌چون اعقاب خود با توطئه‌های مخالفان که از سوی دولت مغولی هند حمایت می‌شد،

۱. همو، ۱۷۰ - ۱۷۱.

۲. بهارستان شاهی، ۱۷۲؛ حیدری، ۱۸۱ - ۱۸۲.

۳. الطاف حسین، ۶۶.

۴. حیدری، ۲۰۲.

۵. همو، ۱۶۹.

۶. همو، ۱۸۵ - ۱۸۶.

۷. همو، ۱۶۴.

درگیر بود و در پی پناه بردن مخالفان به دربار اکبر و تشویق او به تسخیر کشمیر، سلطان گورکانی در سال ۹۹۶هـ. این منطقه را تصرف کرد<sup>۱</sup> و به حکومت خاندان چک پایان داد.

### روابط خارجی سلاطین چک

پیش از آن که مغولان سلسله بابریان / گورکانیان را با مرکزیت دهلی تأسیس کنند، بهمنیان (۷۴۶-۸۸۷هـ) مقارن با شاهمیریان کشمیر، بر منطقه دکن حکومت می‌کردند. برخی از امرای بهمنی با استفاده از ضعف حکومت مرکزی، در مناطقی از هند اعلام استقلال کردند و حکومت‌های محلی مستقل عادل‌شاهیان، نظام‌شاهیان، و قطب‌شاهیان را تأسیس کردند.<sup>۲</sup> حکومت قطب‌شاهی (۹۱۸-۱۰۹۸هـ) در جنوب هند، تقریباً معاصر با دوره قدرت یافتن چک‌ها در دستگاه شاهمیری بود؛ اما منابع از ارتباط این حکومت‌های مسلمان و بعضاً شیعی با حکام کشمیر و سلاطین چک یاد نکرده‌اند؛ البته محتمل است که بعد مسافت و محدودیت عرصه فعالیت‌های این حکومت‌های محلی، امکان برقراری روابط سیاسی شایان توجهی را میانشان ممکن نمی‌کرده است.

هم‌چنین به‌رغم قرابت مذهبی میان چکان و صفویان، داده‌های تاریخی موثقی درباره روابط خارجی و مناسبات رسمی این دو دولت در دست نیست؛ اما در همین دوره، شماری از ادیبان، شاعران، و هنرمندان از ایران به هند و کشمیر مهاجرت کردند و مورد حمایت و تشویق سلاطین چک قرار گرفتند که خود مؤید ارتباطات فرهنگی میان این دو دولت است.<sup>۳</sup> هم‌چنین هم‌چنین تسامح مذهبی سلاطین چک و مساعی آنان در ایجاد فضای مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی مهاجران ایرانی، بدون تردید عامل مهمی در گسترش زبان و ادب فارسی در کشمیر بوده است. سیدناصری اشاره کرده است که روابط فرمان‌روایان چک با دربار صفوی بسیار خوب بود؛<sup>۴</sup> اما شاهد و سندی بر این سخن نیاورده است.

شاید سلاطین چک در برقراری ارتباط با حکومت‌های هم‌جوار، از جمله حکومت صفوی، پیش و بیش از آن که به فکر منافع و مطامع شخصی خویش باشند، به عزت، استقلال و حفظ

۱. همو، ۲۲۵.

۲. جعفریان، ۲۶۸.

۳. نک: Muhibb, 255-259؛ سیدناصری، ۴۷؛ ربیعی، ج ۱۲، ۸۶.

۴. سیدناصری، ۴۷.

حاکمیت کشمیر می‌اندیشیدند. چکان شیعه با آن‌که از نظر مذهبی با دولت صفویه قرابت بسیاری داشتند، حتی هنگامی که تحت فشار حملات گورکانیان بودند، از صفویان درخواست کمک نظامی نکردند؛ در حالی که در همین دوره، همایون (پدر اکبرشاه مغول) به شاه طهماسب صفوی پناهنده شده بود.<sup>۱</sup>

روابط سلاطین چک با بابرین/ گورکانیان به سبب سیاست‌های توسعه طلبانه آنان و با هدف خراج‌گیری از منطقه کشمیر بسیار پرتنش بود. گاه برخی از شاهان چک برای سامان بخشیدن به اوضاع داخلی کشمیر، با دربار هند از در دوستی وارد می‌شدند و از آنان تقاضای مساعدت می‌کردند؛ اما خیلی زود به عواقب این درخواست پی می‌بردند و این روابط قطع می‌گردید.

### سیاست مذهبی سلاطین چک

سیاست مذهبی بیشتر سلاطین چک بر مبنای تساهل و مدارا با پیروان دیگر ادیان و فرق مذهبی، و نیز حفظ وحدت در میان مسلمانان کشمیر بود. اکثر آنان برای ایجاد وفاق و اتحاد میان شیعه و سنی، وزرای خود را از میان اهل سنت انتخاب می‌کردند، از جمله حسین چک «علی کوکه» سنی مذهب را به منصب وزارت خویش منصوب کرد؛<sup>۲</sup> علی‌شاه چک، این منصب را به «سیدمبارک خان» سپرد و حتی در تأیید دوستی خویش با او، دخترش را به نکاح شاه ابوالمعالی،<sup>۳</sup> پسر سیدمبارک، درآورد و وساطت سیدمبارک را نیز درباره نجی ملک، از دشمنان چکان، پذیرفت و از دست‌گیری و کور کردن او منصرف شد.<sup>۴</sup> یوسف‌شاه نیز سیدمبارک‌خان را در منصب صدراعظمی ابقا کرد.<sup>۵</sup> وزیر یعقوب‌شاه «محمدت» نیز، از بزرگان اهل سنت بود.<sup>۶</sup> به بیان دیگر، از شش سلطان شیعه چک، چهار تن از آنان وزیرانی از اهل سنت داشتند.

۱. حیدری، ۱۰۶.

۲. بهارستان شاهی، ۱۲۴ پ - ۱۲۸ پ؛ هروی، ج ۳، ۴۹۴؛ فرشته، ۳۶۳.

۳. سیدشاه ابوالمعالی فرزند دوم سیدمبارک‌خان، در سال ۹۸۸ هـ برای مدت کوتاهی فرمان‌روای کشمیر بود. شاه ابوالمعالی نیز مانند پدرش در دسته‌بندی‌های سیاسی مقارن با حمله اکبرشاه به کشمیر (۹۹۶ هـ) سهم به‌سزایی داشت و پس از سقوط کشمیر به خدمت یکی از فرماندهان نظامی اکبرشاه موسوم به راجه مان‌سینگ درآمد. وی پس از مرگ مان‌سینگ در سال ۱۰۲۱ هـ به وساطت حیدرملک (مؤلف تاریخ کشمیر) به دربار سلطان جهانگیر معرفی شد (نک: کویه‌امی، ج ۲، ۳۰۱ - ۳۰۷).

۴. بهارستان شاهی، ۱۳۲ - ۱۳۲ پ.

۵. حیدری، ۱۶۶؛ الطاف حسین، ۶۴.

۶. حیدری، ۲۰۹.

غازی‌شاه با پیروان سایر ادیان و مذاهب با تسامح رفتار می‌کرد و حتی به هندوان و بودایی‌ها نیز آزادی داده بود.<sup>۱</sup> درباره سیاست مذهبی حسین‌چک گزارش‌های ضد و نقیضی در دست است؛ مؤلف *نوادراخبار* هرچند حسین‌چک را متعصب خوانده و از مخالفت او با اهل تسنن و هندوان گزارش‌هایی آورده است، عدل و داد و رعیت‌پروری او را نیز ستوده است؛<sup>۲</sup> اما مورخان چون فرشته و هروی به صراحت ذکر کرده‌اند که حسین‌شاه نه تنها با علمای دیگر مذاهب رفتار پسندیده‌ای داشت که حتی برای آنها جای‌گیر مقرر کرده بود.<sup>۳</sup> *محب‌الحسن* نیز در این باره چنین آورده است: اگرچه او شیعه بود، به قانون حنفی عمل می‌کرد و فقیهی سنی مذهب، به نام سیدحبیب را به امامت مسجدجامع و قضاوت منطقه سرینگر منصوب کرد. او با رعایای نامسلمان رفتار بسیار پسندیده‌ای داشت، به آنها در برگزاری مراسم دینی‌شان آزادی کامل داده بود و خود نیز در بعضی مراسم آنها شرکت می‌کرد.<sup>۴</sup> حسین‌شاه چک در هنگامه اختلاف میان شیعیان و سنیان در ۹۷۶هـ که منجر به مداخله سفرای اکبرشاه در این منازعات شد، علاوه بر اتخاذ بی‌طرفی، برای بهبود روابط با اکبرشاه، دختر خود را به همسری پسر او، شاهزاده سلیم، درآورد و او را با هدایایی به دربار امپراتور مغول هند فرستاد.<sup>۵</sup>

یوسف‌چک نیز در تعاملات مذهبی اهل مدارا و تسامح بود و علما، فضلا و بزرگان تمامی مذاهب را تکریم می‌کرد. او طی فرمانی شیخ‌علی را برای تولید آستان شیخ حمزه، از علمای اهل سنت، برگزید. این فرمان از جمله اسناد نادری است که در سال ۱۹۷۸م. در دادگاه عالی سرینگر در معرض دید عموم قرار گرفت که بی‌اساس بودن برخی ادعاها درباره بدرفتاری یوسف‌چک با علمای سایر مذاهب را اثبات می‌کند.<sup>۶</sup> یوسف‌چک حتی با قاضی موسی، که از طراحان اصلی شورش علیه حکومتش بود، به تسامح و مدارا رفتار کرد؛ این در حالی بود که

۱. همو، ۱۴۰؛ Muhibb, 153؛ مؤلف *تاریخ حسن* در نقل مطلب دچار تناقض شده است. او از سویی غازی‌چک را از نظر عدل و انصاف و رعیت‌پروری ممتاز می‌خواند و از دیگر سو، او را سفاک و خونریز می‌داند و نیز نقل کرده که وی فرقه هندو و اهل سنت را مکلف به ترک مذهب خود کرده بود (نک: کویهامی، ج ۲، ۲۷۳).

۲. حیدری، ۱۵۷.

۳. فرشته، ۳۶۳؛ هروی، ج ۳، ۴۹۳.

۴. Muhibb, 256؛ حیدری، ۱۵۷.

۵. فرشته، ۳۶۴؛ هروی، ج ۳، ۴۹۴-۴۹۵ و ۴۹۷.

۶. حیدری، ۱۸۷.

قاضی موسی علاوه بر مخالفت جدی و آشکار علیه سلطان چک، توطئه‌گران و شورشیان مخالف حکومت را در منزل خود پناه داده بود.<sup>۱</sup>

### خدمات علمی و فرهنگی سلاطین چک در کشمیر

**ایجاد مراکز علمی:** با آغاز حکومت چکان شیعه در کشمیر، فعالیت‌های علمی در میان مسلمانان به‌ویژه شیعیان افزایش یافت. آنان علاوه بر استفاده از مدارس قدیم، مدرسه‌های جدیدی مانند عروۃ الوثقی، تطهیرالجنان، ابوبرکات و ملا رضی بنا کردند که در آن مراکز، پسران و دختران رایگان آموزش می‌دیدند.<sup>۲</sup>

در دوره حسین‌چک مرکزی آموزشی در کشمیر تأسیس شد که دارای امکاناتی نظیر کتابخانه و خوابگاه دختران بود و هزینه‌های آن از محل درآمدهای منطقه زینه‌پور<sup>۳</sup> تأمین می‌شد.<sup>۴</sup>

ساخت مساجد و خانقاه‌های متعدد در شهرهایی مانند سرینگر، جدی‌بل و حسن‌آباد،<sup>۵</sup> از دیگر خدمات چکان بود که سهم در خور توجهی در رونق و گسترش علوم مذهبی و فعالیت‌های تبلیغی داشت. علما و مبلغان شیعه، صوفیان و مریدان آنها این مراکز را اداره می‌کردند.

**گسترش زبان فارسی و رونق شعر و شاعری:** زبان رسمی دربار چکان، فارسی بود که البته پیش از آنها نیز در هند و کشمیر رواج یافته بود. احتمالاً تعاملات فرهنگی میان چکان شیعه با ایرانیان مهاجر نیز، در گسترش زبان و ادب فارسی در کشمیر مؤثر بوده است. به همین سبب در دوره سلطنت حسین‌چک، ادیبان و شاعرانی از ایران به این سرزمین مهاجرت کردند و با حمایت‌های جدی و مستمر شاه، شعر فارسی را در کشمیر رواج دادند. این اشعار بیشتر در منقبت پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و خاندانش بود که بیانگر نزدیکی چکان به فرهنگ ایرانی است.<sup>۶</sup> شایان

۱. همو، ۱۸۸.

۲. گلزار، ۸۳.

۳. نام شهری در منطقه سرینگر است.

۴. اطهررضوی، ج ۱، ۲۸۹؛ گلزار، ۸۳.

۵. بهارستان شاهی، ۸۸؛ کویه‌امی، ج ۲، ۲۳۶؛ Muhibb, 147؛ حیدری، ۱۲۹؛ اطهر رضوی، ج ۱، ۲۷۹.

۶. Muhibb, 255-257؛ سیدناصری، ۴۷؛ ربیعی، ج ۱۲، ص ۸۶.



ذکر است که افزون بر زبان فارسی، از زبان سانسکریت نیز در مجالس رسمی و خصوصی استفاده می‌شد؛ به بیان دیگر این زبان توأم با زبان فارسی رشد کرد، به طوری که در قرون بعد، نوشته‌های بالای سنگ قبر مسلمانان به زبان سانسکریت و نوشته‌های بخش پایینی آن به زبان فارسی بود.<sup>۱</sup>

همراه با رونق زبان فارسی در دوره حکمرانی چکان، شعر و شاعری نیز گسترش چشم‌گیری یافت که ناشی از اقبال سلاطین چک به شعر و حمایت از شاعران و هم‌چنین تشویق و تکریم اهل ادب بود. از میان سلاطین چک، حسین‌چک، غازی‌چک، و یوسف‌چک به فارسی شعر می‌سرودند.<sup>۲</sup> یوسف‌چک افزون بر شعر فارسی به زبان کشمیری و هندی نیز شعر می‌سرود.<sup>۳</sup> حسین‌چک مشوق علم و ادب و موسیقی بود و از هم‌صحبتی با علما و شعرا لذت می‌برد.<sup>۴</sup> او «جامعه علمی ادبا و شعرا» را بنا نهاد.<sup>۵</sup> شماری از شاعران بلندپایه مانند ملامهری صدرالشعرا، میرعلی شاعر، بابا داودخاکی، و شیخ یعقوب صرفی در دوره او از ایران به کشمیر رفتند و زبان فارسی را ارتقا بخشیدند.<sup>۶</sup>

**توجه به خوشنویسی و موسیقی:** نقوش عربی و فارسی به خط نسخ و نستعلیق در برخی از مساجد و معابد کشمیر، حاکی از علاقه سلاطین کشمیری به خطاطی و رواج خوشنویسی در عصر چکان است؛ اما نسخه‌ای خطی از این دوره تاکنون یافت نشده است. در عهد شاهمیریان، به‌ویژه در دوره سلطنت زین‌العابدین، خط نسخ غلبه داشت؛ اما در عصر سلاطین چک خط نستعلیق بیشتر مورد توجه قرار گرفت<sup>۷</sup> و برخی از خوشنویسان کشمیری در این خط به درجه استادی رسیدند؛ از جمله ملامحمدحسین کشمیری، که سرآمد خطاطان آن زمان بود.<sup>۸</sup> یوسف‌چک خود در هنر خوشنویسی تبحر فراوانی داشت.<sup>۹</sup>

1. Muhibb, 256.

۲. نک: حیدری، ۱۳۹، ۱۸۹، ۲۰۱.

۳. بهارستان شاهی، ۱۶۵؛ حیدری، ۲۰۱.

۴. حیدری، ۱۵۷؛ Muhibb, 256.

۵. نویسنده از واژه «Society Poets» استفاده کرده است. Muhibb, 255.

6. Muhibb, 153.

۷. همو، ۲۶۵.

۸. Muhibb, 256؛ ناصری، ص ۴۸.

۹. حیدری، ۱۸۹.

در عهد سلاطین مسلمان کشمیری، موسیقی سنتی در این سرزمین تحولاتی یافت. موسیقی این دوره را به دو نوع صوفیانه (مذهبی) و عامیانه (محلی) طبقه‌بندی کرده‌اند که موسیقی عامیانه بیشتر در مراسم ازدواج، جشن‌های عمومی و هنگام برداشت محصول اجرا می‌شد.<sup>۱</sup> حسین‌شاه بیش از دیگر سلاطین چک به موسیقی علاقه داشت، چنان که شمار نوازندگان دربار او را ۱۲۰۰ تن یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup> این هنر در دوره سلطنت یوسف‌شاه و با حمایت‌های او و همسرش حبه خاتون،<sup>۳</sup> بسیار رونق یافت. حبه خاتون را از استادان موسیقی دانسته و ابداع گوشه راست کشمیری را به او نسبت داده‌اند؛<sup>۴</sup> درباره یوسف‌شاه هم گفته‌اند که او در هنر موسیقی چنان چیره‌دست بود که تان‌سین<sup>۵</sup> یوسف‌شاه را استاد خویش می‌خواند. تسلط یوسف‌چک در موسیقی سبب شده بود تا اشعارش نیز از ضرب‌آهنگ موسیقایی برخوردار شود؛ او مقام حسینی و غزال را به نقطه اوج خود رساند.<sup>۶</sup> برخلاف موسیقی و خوشنویسی، هنر نقاشی نقاشی در این دوره رونقی نداشت.<sup>۷</sup>

#### نتیجه

سلاطین شیعی مذهب چک طی ۳۲ سال حکومت کوشیدند با درایت و تدبیر در امور سیاسی و نظامی، برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی و فراهم آوردن فضای علمی و فرهنگی مناسب، جامعه متکثر کشمیر را در امنیت و آرامش اداره کنند و این منطقه را در برابر حملات خارجی مصون سازند. هم‌چنین آنان ضمن پایبندی به اصول دین اسلام و مذهب تشیع، کوشیدند در تعامل با علما و بزرگان اهل تسنن، مدارا با پیروان دیگر ادیان و مذاهب و دوری گزیدن از تعصب و استبداد برای حفظ وحدت، عزت و استقلال منطقه کشمیر بی‌وقفه تلاش کنند و از

1. Rahman, S.A., 208.

2. Ibid, 209.

۳. شایان ذکر است در بهارستان شاهی، هیچ نامی از حبه خاتون برده نشده است. حیدری نیز در اثرش، نسبت دادن حبه‌خاتون به یوسف‌چک را افسانه‌ای ساختگی دانسته که برخی مورخین ۳۰۰ سال پس از مرگ یوسف‌چک، آن را در کتب تاریخ وارد کرده‌اند (نک: حیدری، ۱۸۴-۱۸۵).

4. Muhibb, 266.

۵. اصل نامش توناسانتا بود که در ایتالیا متولد و در کشمیر رشد کرد و در سال ۹۷۵ق از کشمیر به لاهور و سپس به دهلی رفت و به دست عالمی به نام ملا سلامت اسلام آورد (حیدری، ۱۸۹).

۶. نک: حیدری، ۱۸۹، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۰۱.

7. Rahman, 207.

امکانات مادی و معنوی جامعه کشمیر برای اداره و تعالی این سرزمین و تثبیت دین اسلام و مذهب تشیع بهره برند؛ اما علی چند، از جمله توطئه‌ها و شورش‌های مستمر امرا و طوایف مخالف و گروهی از متعصبان اهل سنت با حمایت مغولان هند؛ منازعه شاهزادگان چک بر سر جانشینی؛ رقابت‌های شدید سیاسی و اختلافات مذهبی میان دو شاخه از طایفه چک، به ضعف و انقراض حاکمیت آنان انجامید.

به‌رغم شجاعت و استقامت سلاطین چک در مقابله با لشکریان ببری و دفع حمله‌های سلاطین آنها، بابر، همایون و اکبرشاه، امپراتور مقتدر هند، سرانجام این سرزمین چون دیگر حکومت‌های محلی منطقه، به تصرف امپراطوری بابریان درآمد.

### کتابشناسی

- اطهررضوی، سید عباس، شیعه در هند، واحد ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.
- الطاف، حسین، کشمیر بهشت زخم خورده، ترجمه فریدون دولتشاهی، اطلاعات، ۱۳۷۲.
- بهارستان شاهی، نسخه خطی، لندن، ایندیا آفیس، میکروفیلم شماره ۵۰۹.
- جعفریان، رسول، صفویه / از ظهور تا زوال، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۷.
- حیدری کاشمیری، اکبر، بهارستان شاهی (تاریخ کشمیر)، هند، شریعت آباد، صدر انجمن ندا، چاپ سنگی، ۱۹۸۲/۵۱۴۰۲.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- دیدمیری، محمداعظم، واقعات کشمیر، نسخه خطی، مشهد، کتابخانه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، میکروفیلم شماره ۱۹۰۶۲.
- ربیعی، منیژه، «چک‌ها»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، ج ۱۲، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۸۷.
- سید ناصری، حمیدرضا، کشمیر: گذشته، حال، آینده، تهران، ذکر، ۱۳۷۹.
- شاه‌آبادی، ملا شاه‌محمد، راج ترنگینی (تاریخ کشمیر)، مقدمه و تصحیح صابر آفاقی، نشر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۷۴/۵۱۳۹۴.
- فرشته، محمدقاسم بن غلامعلی، تاریخ فرشته، (۲جلد در یک مجلد) نشر نولکشور، چاپ سنگی، ۱۸۷۳/۵۱۲۹۰.
- کویه‌امی، غلامحسین، تاریخ حسن، هند، سرینگر، چاپ سنگی، ۱۹۵۴.

گلزار، غلام محمد متو، «نقش چک‌ها در ترویج تشیع در کشمیر»، سخن تاریخ، ش ۷، زمستان ۱۳۸۸.

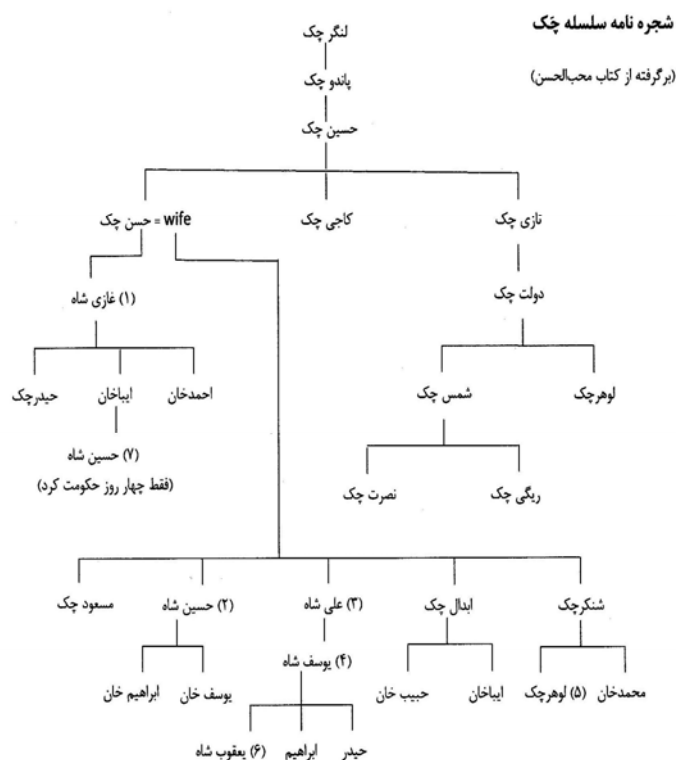
هالیستر، جان نورمن، تشیع در هند، ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.

هروی، نظام الدین احمد بن محمد، طبقات اکبری، تصحیح محمد هدایت حسین، بنگال، نشر ایشیانک سوساییتی، ۱۹۲۷-۱۹۳۱.

Mohibb ul Hasan, K. *Kashmir Under the Sultans*, Calcuttai, 1959.

Rahman, S,A, *The beautiful India: Jammu and Kashmir*, NewDelhi, 2005.

Sufi, Ghulam Muhyiddin, *Kashir: Being a History of Kashmir from the Earliest Times to our own*, The University of the Panjab, Lahore, Pakistan, 1948.



(به نقل از: Muhibb ul Hassan. K.)